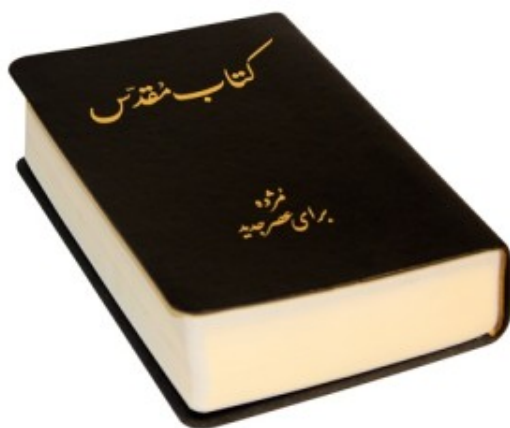


آیا کتاب مقدس عمر سیاره زمین را تعیین کرده است؟ چرا در دوران آدم تا نوح، انسان ها عمر طولانی داشته اند؟



آیا کتاب مقدس عمر سیاره زمین را تعیین کرده است؟ چرا در دوران آدم تا نوح، انسان ها عمر طولانی داشته اند؟

کتاب مقدس هرگز تاریخ منشاء جهان را تعیین نکرده است و چنین آیه ای وجود ندارد. در اولین آیه کتاب مقدس چنین آمده است: “در ابتدا، خدا آسمان ها و زمین را آفرید”. این گزارش کلی به دانشمندان این امکان را می دهد که بتوانند قدمت جهان مادی را بر اساس اصول علمی تعیین کنند. با این توصیف، زمان نگاری غلط توسط اسقف جیمز آشر (۱۵۸۱-۱۶۵۶) تهیه شد. او بر اساس نسب نامه های کتاب مقدس به این نتیجه رسید که جهان در سال ۴۰۰۴ قبل از میلاد آفریده شده است.

فصل پنجم کتاب پیدایش به نسب نامه آدم اختصاص دارد و تا پانصدمین سال زندگی نوح را در بر می گیرد (فصل ۵ آیه ۳۲). تردیدی نیست که بخشی از نسب نامه به روایت آدم است و سپس خنوخ و متوشالح آن را ادامه داده و سرانجام نوح آن را تکمیل کرده است. می توان حدس زد که روایت مستقیم آدم از پیدایش فصل ۲ آیه ۴ شروع می شود.

با این توصیف، اگر منبع اطلاعات موسی، خداوند نبود، او چگونه می توانست مراحل آفرینش را به طور صحیح گزارش کند؟ موسی و حتی آدم، هیچکدام شاهد عینی آفرینش نبوده اند. کلام خدا می فرماید: “با ایمان به وجود خداست که می دانیم زمین و آسمان و در حقیقت همه چیز، به دستور خدا

ساخته شده اند. همه این ها از چیزهای نادیدنی به وجود آمده اند” (عبرانیان فصل یازدهم آیه سوم).

آیا نسب نامه های کتاب مقدس، زمان آفرینش انسان را نشان می دهند؟ پاسخ این است که در تمام کتاب مقدس هیچ تاریخی در مورد ابتدای خلقت پیدا نمی شود. نویسندگان عبری کتاب مقدس، با اصطلاحات روزگار باستان نسب نامه ها را نوشته اند. مثلا اصطلاح “پدر” را به معنی “پدر” یا “جد” و “نسل” به کار برده اند. علاوه بر این در دوران باستان، افرادی که رتبه مهمی نداشته اند و کم اهمیت بوده اند، از شجره نامه حذف گردیده اند. طبق تحقیقات باستان شناسان، عادت مردم خاورمیانه در زمان باستان در مورد نگارش نسب نامه ها آن بود که فقط اسامی افراد مهم را ذکر می کردند.

این مثال را در انجیل متی فصل اول آیات اول تا هفدهم پیدا می کنیم. در این نسب نامه، سه تن از پادشاهان حذف شده اند (اخزیا، یوآش، امصیا) و یورام به عنوان پدر عزیا ذکر شده، در حالی که پدر بزرگش بوده است. باستان شناسان معتقدند که شجره نامه های مندرج در کتاب پیدایش کامل نیست. در نتیجه، پیدایش بشریت به دوران دورتری بر می گردد. بنابراین، نسب نامه های خاور نزدیک در کتاب مقدس و دوران باستان، به منظور ارائه تاریخچه کامل خاندان، قبیله یا قوم خاص نوشته نشده اند، بلکه فقط حاوی اسامی افراد مشهور یا بزرگان هر خاندان بوده اند.

از آدم تا نوح، میانگین عمر ۸۰۰ سال بود. چرا انسان ها عمر طولانی داشتند؟

میانگین عمر در دنیای امروز ۸۰ سال است. برخی از تحقیقات نشان داده که در دو قرن اخیر بیست تا سی سال به عمر انسان افزوده شد. علت افزایش عمر به دلیل پیشرفت علم در معالجه بیماری ها بوده است. اما زندگی کردن برای ۸۰۰ تا ۹۰۰ سال غیرممکن به نظر می رسد. پس چگونه انسان هایی که قبل از نوح زندگی می کردند، دارای عمر طولانی بوده اند؟

افزایش یا کاهش طول عمر به ترکیب عواملی نظیر زیست شیمیایی، فعالیت غدد داخلی، تغذیه، زیست محیطی و تاثیر اتمسفر زمین ارتباط دارد. انسان های اولیه از لحاظ جسمی، تغذیه و اتمسفر در شرایط عالی به سر می بردند. حتی بعد از جدایی از خدا و رخنه گناه، شرایط هم چنان برای آدم و حوا و نسل آنان، بسیار مطلوب و عالی بود.

به هنگام مطالعه کتاب مقدس، درمی یابیم که بعد از طوفان سهمگین دوران نوح، عمر انسان ها به طور ناگهانی کاهش یافت. قبل از طوفان، عمر انسان ها به ۹۰۰ سال هم می رسید، در حالی که در بعد از طوفان عمر انسان به ۲۰۰ و سپس ۱۰۰ سال محدود شد.

علم نجوم ثابت کرده که چگونه خداوند اجازه داد انسان در قبل از طوفان بزرگ، از عمر طولانی برخوردار باشد. در آن زمان لایه اوزون بسیار ضخیم بود، به طوری که مانع تابش اشعه ماورای بنفش به زمین می گردید. بعد از طوفان، این لایه به تدریج نازک شد و اشعه ماورای بنفش به زمین راه یافت. حضور این اشعه، سبب پیری زودرس سلول های بدن انسان شد. این اشعه در اثر انفجار ستارگان در فضا آزاد و منتشر گردید.

انسان های آن روزگار مانند امروز اطلاعات پزشکی نداشتند، با این حال عوامل زیست محیطی، تغذیه

و فعالیت غدد درون و شیمیایی بدن در وضعیت عالی بودند. بعد از طوفان، این عوامل دستخوش تغییر و تحول شدند و بدین سان عمر انسان ها کاهش یافت.

عامل دیگری که به کاهش عمر انسان منتهی گردید، کدهای ژنتیکی بود. با گذشت چند نسل، کدهای ژنتیک دچار نقص شد. آدم و حوا در مقابل بیماری ها بسیار مقاوم بودند، اما نسل های بعدی این امتیاز برتر ژنتیکی را به تدریج از دست دادند. در نتیجه، بدن انسان به بیماری و مرگ جسمانی آسیب پذیر شد.

در کتیبه های قبل از طوفان بزرگ (دوران نوح) به عمر طولانی پادشاهان اشاره شده است. هم چنین پارسیان، مصریان، هندوها، یونانی ها و دیگر اقوام روایاتی از عمر طولانی ساکنان اولیه زمین داشته اند. چنین روایاتی چگونه می توانستند به وجود آیند، مگر آن که این واقعیت را بپذیریم که انسان های اولیه عمر طولانی داشتند.

نویسنده مقاله: مهران پورپشنگ